www.sjfm.ir

مجله پزشکی قانونی ایران

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

دوره ۳۰، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۶۹ تا ۷۰

نامه سردبیر

نقش استرس یا هیجان خودساخته در فوت

امید ایروانی[1*] MD، PhD، منصور فیروزبخت[1] MD

[1] مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران

*نویسنده مسئول: امید ایروانی، پست الکترونیک: Om_iravani@yahoo.com

تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳ پذیرش: ۱۴۰۲/ ۱۱/۲۳ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

How to cite: Iravani O, Firozbakht M. Role of self-induced distress or excitement in death. Iran J Forensic Med. 2024;30(1):69-70.

سردبیر محترم؛

امروزه از صدمات جسمانی خود ساخته تحت عنوان «خودزنی» یاد می شود که سال‌هاست در متون علمی مورد بحث قرار گرفته است. پزشکان قانونی به‌طور معمول با رویت الگوهای خودزنی عبارت «ایجاد ضایعه در حالت غیرمنازعه» را استفاده می‌کنند. این در حالی است که تاکنون نقش استرس یا هیجانات خودساخته در بروز صدمات روانی یا فوت هیچ‌گاه مدنظر صاحب‌نظران قرار نگرفته است. استرس و هیجان از ابتدای خلقت عناصری تفکیک ناشدنی از زندگی انسان بوده است [۱]. اگرچه ارتباط استرس یا هیجان با ایجاد، تشدید یا تسریع حوادث قلبی-عروقی یا مغزی دارای پایه و اساس بنیادی است [۲,۳] اما انتظار می‌رود که سطح عرفی استرس در یک فرد سالم به مرگ منتهی نشود. شاید به لحاظ پزشکی بتوان نقش کلی استرس یا هیجان متعاقب یک نزاع لفظی در فوت فرد را بررسی کرد [۴] اما ابهام اساسی اینجاست که وقتی نقش استرس یا هیجان متعاقب یک نزاع لفظی در فوت احراز شد، رفتار مرحوم چقدر در نتیجه نزاع لفظی موثر بوده است؟ تاثیر رفتار منتسب به متهم چگونه محاسبه می‌شود؟ آیا صرف آنکه میزان تاثیر استرس یا هیجان در فوت یک فرد به درصد بیان شود، مقام قضایی بر اساس قانون مجازات اسلامی امکان تفکیک استرس خودساخته (منتسب به فرد متوفی) از استرس دگرساخته (منتسب به متهم) را خواهد داشت؟

بر اساس قوانین حقوقی کشور فرانسه و آمریکا، آسیب روانی و فوت به دنبال استرس یا هیجان زمانی موضوعیت می‌یابد که رفتار افراطی (Extreme) و یا ظالمانه (Outrageous) عمدی یا متعاقب بی‌ملاحظگی (غیرعمدی) یک فرد منجر به آسیب روانی یا فوت فرد دیگری شود [۵]. مثال‌هایی از رفتار ظالمانه: ۱- فردی به دوست یا همکارش به‌صورت دروغ اعلام کند که همسر یا فرزندش در تصادف فوت کرده است. ۲- فردی با اطلاع از اینکه دوستش از عنکبوت می‌ترسد، برای شوخی چند عنکبوت را در مجاورت دوستش قرار می‌دهد. ۳- طلبکاری که بدهکار خود را تهدید به قتل می‌کند. در این مثال‌ها نزاعی در کار نبوده، بلکه رفتار ظالمانه صرفاً منتسب به یک فرد بوده و طرف مقابل نقشی در ایجاد استرس یا هیجان نداشته است. در راستای احراز نقش استرس و هیجان ایجاد شده از سوی متهم در فوت بررسی چند عامل ضروری به نظر می‌رسد: ۱- تحلیل جزئیات واقعه ۲-اخذ نظریه پزشکی قانونی۳- بررسی سوابق پزشکی متهم و مرحوم ۴- کسب اطلاعات از حاضران، شاهدان و مطلعان واقعه. بررسی این عوامل نیاز به همکاری تنگاتنگ پزشکی قانونی و کارشناسان خبره دادگستری با مقام قضایی خواهد داشت.

به طور کلی در راستای آزادی بیان و اندیشه یک نزاع لفظی منجر به فوت می‌بایست فراتر از انتقاد یا توهین فردی در نظر گرفته شود. بنابراین اگر رفتار متهم در وضعیتی حادث شود که این رفتار در آن موقعیت عرفی یا عادی تلقی شود متهم ضامن نیست. همچنین در شرایطی که دو فرد آگاهانه با یکدیگر به منازعه لفظی می‌پردازند، هر دو نفر در رفتار عمدی، غیر محتاطانه و یا ظالمانه نسبت به یکدیگر مباشرت و مشارکت فعال داشته‌اند، در این صورت فرد مرحوم به طور تلویحی رضایت و فرصت حضور و شرکت در رفتار ظالمانه را به متهم اعطا کرده و متهم می‌تواند در عوارض روانی حاصله یا فوت مرحوم ضامن نباشد.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-19]

تفکیک استرس خودساخته از نوع دگرساخته موضوع ساده‌ای نیست که بتوان با یک نگاه سطحی در مورد آن قضاوت کرد. شاید به لحاظ پزشکی بتوان صرفا تأثیر یا تأثیر نداشتن استرس در فوت را اعلام کرد، اما تعیین دقیق درصد سهم استرس منتسب به متهم در فوت به فاکتورهای متعددی وابسته است که بررسی و احراز آن نیاز به تحقیقات قضایی دارد. مقام قضایی با کالبدگشایی قضایی واقعه همانند آنچه در صحنه جرم واکاوی می‌کند، از منظر قاعده فقهی-حقوقی «اقدام» قادر به تفکیک استرس «خودساخته» از «دگرساخته» خواهد بود. در مجموع، اگرچه نظرات کارشناسی پزشکی قانونی در تعیین و تبیین تأثیر استرس در فوت کارگشاست اما این نظرات به تنهایی برای تصمیم‌گیری قضایی فصل‌الخطاب نیستند، بلکه احراز نهایی سهم تأثیر استرس منتسب به متهم در فوت صرفا با مقام قضایی است. در این صورت بهتر است پزشکی قانونی از تعیین و اعلام درصد به عنوان سهم تأثیر استرس و هیجان در فوت خودداری کند.

تأییدیه‌اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.
تعارض‌منافع: دو نویسنده این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی را اعلام نداشتند.
سهم‌نویسندگان: هر دو نویسنده سهم یکسانی در تهیه مقاله حاضر دارا بودند.
منابع‌مالی: مقاله حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

References

1. Fineschi V, Michalodimitrakis M, D'Errico S, Neri M, Pomara C, Riezzo I, Turillazzi E. Insight into stress-induced cardiomyopathy and sudden cardiac death due to stress. A forensic cardio-pathologist point of view. Forensic Sci Int. 2010;194(1-3):1-8. doi: 10.1016/j.forsciint.2009.10.025.
2. Hamer M, Kivimaki M, Stamatakis E, Batty GD. Psychological distress as a risk factor for death from cerebrovascular disease. CMAJ. 2012;184(13):1461-6. doi: 10.1503/cmaj.111719.
3. Lecomte D, Fornes P, Nicolas G. Stressful events as a trigger of sudden death: a study of 43 medico-legal autopsy cases. Forensic Sci Int. 1996;79(1):1-10. doi: 10.1016/0379-0738(95)01873-5.
4. Critchley HD, Taggart P, Sutton PM, Holdright DR, Batchvarov V, Hnatkova K, et al. Mental stress and sudden cardiac death: asymmetric midbrain activity as a linking mechanism. Brain. 2005;128(1):75-85. doi: 10.1093/brain/awh324.
5. Ahmed R. The Influence of Reasonableness in Determining Delictual or Tort Liability for Emotional Distress or Mental Harm in American and French Law. Potchefstroom Electron Law J. 2023;26(1):1-30. doi: 10.17159/1727-3781/2023/v26i0a15700.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-19]